

مقایسه هویت قومی و بهزیستی ذهنی در اقوام ایرانی

محمدعلی تقی‌زاده*، ابوالقاسم خوش‌کنش**، علی زاده‌محمدی***، مجتبی حبیبی****

مقدمه: پژوهش حاضر با هدف مقایسه هویت قومی و بهزیستی ذهنی در دانشجویان اقوام ایرانی انجام شد. جامعه ایرانی، اقوام متنوع و متنکثری با ویژگی‌های خاصی دارد که بر روابط بین‌فردی، نگرش، سلامت و تربیت اعضای خانواده، خصوصاً جوانان، تأثیر می‌گذارد. به‌همین دلیل، این پژوهش وضعیت مؤلفه‌های مذکور را در بین اقوام ایرانی بررسی کرده است.

روش: جامعه آماری این پژوهش، دانشجویان دانشگاه شهید بهشتی تهران در سال تحصیلی ۱۳۹۱-۹۲ هستند که به هریک از اقوام ترک، کرد، لر و فارس تعلق دارند. انتخاب نمونه‌ها به روش در دسترس و حجم نمونه ۴۲۶ نفر بود. در این پژوهش، برای گردآوری اطلاعات از پرسش‌نامه‌های مقیاس هویت قومی چندگانه (MEIM)، مقیاس عاطفه مثبت و منفی (PANAS) و مقیاس رضایت از زندگی (SWLS) استفاده شد. داده‌ها با استفاده از آزمون تحلیل پراکنش چندمتغیره، آزمون تی مستقل و آزمون تعقیبی بونفرونی تحلیل شد.

یافته‌ها: نتایج نشان داد که بین گروه‌های قومی در مقیاس‌های هویت قومی و بهزیستی ذهنی و خرده‌مقیاس رضایت از زندگی، تفاوت معنی‌داری به‌لحاظ آماری وجود دارد. همچنین بین میانگین نمرات هویت قومی و بهزیستی ذهنی در دانشجویان دختر و پسر، تفاوت معنی‌داری مشاهده شد و میانگین نمره هویت قومی پسران، بالاتر از دختران و میانگین نمره بهزیستی ذهنی دختران بالاتر از پسران بود.

بحث: یافته‌ها بر مبنای پیشینه پژوهشی و نظری هویت قومی و بهزیستی ذهنی بررسی شده‌اند. این بررسی نشان می‌دهد که هویت قومی و بهزیستی ذهنی در بین اقوام ایرانی متفاوت است. در تبیین این نتایج، چرایی این تفاوت نیز بررسی شده است.

کلیدواژه‌ها: بهزیستی ذهنی، قومیت، هویت قومی.

تاریخ پذیرش: ۹۳/۰۲/۰۸

تاریخ دریافت: ۹۲/۰۷/۲۷

* کارشناسی ارشد مشاوره، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران. <Mo.a.taghizadeh@gmail.com> (نویسنده مسئول)

** دکترای روان‌شناسی بالینی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

*** دکترای روان‌شناسی بالینی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

**** دکترای تخصصی روان‌شناسی سلامت، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

مقدمه

بهداشت و سلامت روانی از نیازهای اجتماعی است؛ چراکه عملکرد مطلوب هر جامعه‌ای مستلزم داشتن افرادی است که از نظر سلامت و بهداشت روانی در وضعیت مطلوبی باشند (موحد ابطحی، ۱۳۸۷).

بررسی پیشینه نظری و پژوهشی مربوط به سلامت روان نشان می‌دهد که سالیان طولانی رویکردی آسیب‌شناختی یا منفی به مطالعه آن وجود داشته است؛ به این معنی که سلامت روان، معادل نبود بیماری و مشکلات روانی تعریف شده است. از حدود دهه ۱۹۶۰ با ظهور دیدگاه‌های جدیدی که به جای درمان مشکلات روانی بر پیشگیری آن‌ها تأکید می‌کردند، مدل‌های سلامت روانی با تأکید بر رویکرد روان‌شناسی مثبت‌گرا بر ابعاد روانی مثبت، مانند توانایی‌های انسان، رشد شخصی، بهزیستی و ارتقای خوب بودن متمرکز شدند (رایان و دسی، ۲۰۰۱). در واقع، ظهور دو جریان توجه به رشد روان‌شناختی و سلامتی و روان‌شناسی مثبت‌نگر، موجب تغییر رویکرد روان‌شناسان از مدل پزشکی یا آسیب‌شناختی به مدل‌های مثبت‌نگر در موضوع سلامت روانی شد. در این راستا، مدل‌هایی مانند مدل جاهودا^۱، مدل بهزیستی دینر^۲، مدل شش‌عاملی بهزیستی روان‌شناختی ریف^۳ و مدل خودمختاری رایان و دسی تدوین شدند که در تعریف و تبیین سلامت روانی، به جای تمرکز بر بیماری و ضعف و تنش، بر توانایی‌ها و داشته‌های فرد متمرکز شدند (کامپتون، ۲۰۰۱). استرلین^۴ (۲۰۰۳)، فیری و استوزر^۵ (۲۰۰۵) و دولان^۶ (۲۰۰۸) بیان کردند که پیشینه بهزیستی ذهنی به‌طور وسیعی در چند سال گذشته افزایش پیدا کرده است (بیندر و کود، ۲۰۱۱).

بهزیستی روانی، شامل احساس مثبت و احساس رضایت‌مندی عمومی از زندگی است که خود فرد و دیگران را در حوزه‌های مختلف خانواده و شغل و نظیر این نمونه‌ها شامل می‌شود؛ بنابراین، افراد با احساس بهزیستی قوی، به‌طور عمده هیجانات مثبت بیشتری

1. Jahoda
4. Easterlin

2. Diener
5. Frey and Stutzer

3. Ryff
6. Dolan

تجربه می‌کنند و از حوادث و وقایع پیرامون خود ارزیابی مثبتی دارند. ازسویی، افراد با بهزیستی کم حوادث و موقعیت‌های زندگی‌شان را نامطلوب ارزیابی و بیشتر، هیجانات منفی نظیر اضطراب و افسردگی و خشم را تجربه می‌کنند (مایرز و دینر، ۱۹۹۵).

باتوجه به اهمیت بهزیستی، تبیین مؤلفه‌هایی که بر بهزیستی افراد تأثیر دارند، بسیار حائز اهمیت است. کریستوفر (۱۹۹۱) معتقد است که تعاریف مربوط به بهزیستی، ذاتاً به فرهنگ جوامع بستگی دارد. علاوه بر این، برای سنجش بهزیستی، مقیاسی وجود ندارد که از فرهنگ آن جامعه تأثیر بگیرد (واترمن، ۱۹۹۲). همچنین، هویت قومی به گروهی اشاره دارد که افراد آن به گروه خود احساس تعلق می‌کنند و رفتارها و باورها و ارزش‌های مشترکی دارند که به عنوان یک فرهنگ شناخته می‌شود. تحول هویت با تعامل بین ویژگی‌های بیرونی و درونی متأثر می‌شود. تعامل با دیگران از طریق فعالیت‌های روزمره، به طور مستقیم بر ادراک ما از هویت فرهنگی تأثیر می‌گذارد (ولز-یلین، ۲۰۰۲). از این رو، مؤلفه‌ای که به نظر می‌رسد قربت زیادی با مؤلفه بهزیستی ذهنی دارد، هویت قومی است.

هویت قومی، پدیده‌ای پویا و چندبعدی و همیشه در حال تحول است که تعاریف مختلفی از آن وجود دارد. تاجفل^۱ (۱۹۸۱) آن را بخشی از مفهوم فرد می‌داند که از آگاهی به عضویتش در گروهی قومی، با ارزش‌ها و احساسات مربوط به آن، ناشی می‌شود. هلمز^۲ (۱۹۹۰) هویت قومی را احساس تعلق فرد به گروهی قومی می‌داند که این گروه، میراث فرهنگی و ارزش‌ها و منش‌های خاص خود را دارد (فینی و انگ، ۲۰۰۷).

برای سنجش هویت قومی، مدل‌ها و مقیاس‌های مختلفی ارائه شده که بسیاری از آن‌ها، همچون مدل فینی، مدل چهاربعدی مارسیا، مدل یومانا، بر مبنای کار اریکسون و تاجفل صورت گرفته است (یومانا و تیلر، ۲۰۰۴). مبنای نظری این پژوهش بر مفهوم‌سازی‌های تاجفل و فینی از هویت جمعی و قومی استوار است؛ اما پژوهش حاضر به صورت عمده، بر اساس دیدگاه و الگوی هویت قومی فینی انجام شده است. با رویکردی انتقادی به منابع

1. Tajfel

2. Helms

ایرانی باید گفت، برخلاف نمونه‌های خارجی، اکثر پژوهش‌های موجود نگاهی جامعه‌شناختی یا سیاسی به مؤلفه‌های هویت قومی دارند و کمتر پژوهشی این مؤلفه مهم و رابطه آن با دیگر مؤلفه‌های روان‌شناختی، همچون بهزیستی را از منظر روان‌شناختی بررسی کرده است. لذا ضرورت انجام این دست پژوهش‌ها احساس می‌شود. مطالعه حاضر در پی پاسخ‌گویی به این مسئله مهم است که آیا بین اقوام مختلف از نظر مؤلفه‌های هویت قومی و بهزیستی ذهنی، تفاوتی وجود دارد؟ همچنین، بین مؤلفه‌های گفته‌شده در دانشجویان دختر و پسر، تفاوتی وجود دارد یا خیر؟ پژوهش حاضر سعی دارد با تعامل این متغیرها، یافته‌هایی را بیان کند که بتواند راهگشایی کاربردی برای تدوین راهبردهای سیاست‌گذاری‌های تربیتی و فرهنگی نوجوانان و جوانان باشد.

پدیده سلامت روانی، از نیازهای اساسی شهروندان قرن بیست و یکم تلقی می‌شود و سازمان بهداشت جهانی بر مهیا کردن زمینه‌های شکل‌گیری آن بسیار تأکید کرده است. عملیاتی کردن این تأثیرات، مستلزم شناسایی عوامل دخیل در آن است (هاشمی نصرت‌آباد، باباپور خیرالدین، بهادری خسروشاهی، ۱۳۹۰). بسیاری از صاحب‌نظران، شکل‌گیری هویت را مرحله بحرانی دوره جوانی می‌دانند؛ زیرا در این دوران، جوانان بلوغ شناختی و اجتماعی‌شان را به نمایش می‌گذارند و در این مرحله، قدرت و ظرفیت بررسی و ارزیابی انتزاعی مفاهیمی همچون ملیت، و نژاد و قومیت را دارند (یومانا و تیلر، ۲۰۰۸).

محققان، ارتباط مثبت بین هویت قومی و بهزیستی را در میان جمعیت‌های متنوع قومی نشان داده‌اند (سید و همکاران، ۲۰۱۳؛ اسمیت و سیلوا، ۲۰۱۱؛ کرایجر، ۲۰۱۰؛ ایواموتو^۱ و لیو^۲، ۲۰۱۰؛ یومانا و تیلر^۳، ۲۰۰۴). پژوهش‌های دیگر نیز به این نتیجه رسیدند که هویت قومی قوی، باعث کاهش عواطف منفی می‌شود (ویلیام، ۲۰۱۲؛ وایپ^۴ و فولیگنی^۵، ۲۰۰۲؛ روبرتنز^۶، ۱۹۹۹، به نقل از: دابو^۷ و همکاران، ۲۰۰۰). همچنین،

1. Iwamoto

2. Liu

3. Taylor

4. Yip

5. Fuligni

6. Rubertens

7. Dubaw

شکل‌گیری موفقیت‌آمیز هویت با بهزیستی روان‌شناختی در ارتباط است (ولیوراس و بوسما، ۲۰۰۵؛ واترمن، ۲۰۰۷؛ حجازی و همکاران، ۲۰۰۸).

پژوهش‌های مختلفی که در ایران درباره هویت قومی انجام گرفته است، نشان می‌دهد که احساس هویت قومی نزد همه اقوام قوی است و همه اقوام درقبال اجتماع قومی خود، احساس مسئولیت و وفاداری بسیاری دارند (چلبی، ۱۳۷۸؛ حاجیانی، ۱۳۸۷). پژوهش‌های دیگر نشان می‌دهند که بین هویت و بهزیستی رابطه معنی‌داری وجود دارد (علیجانی، ۱۳۸۵؛ موسوی و همکاران، ۱۳۸۹؛ غضنفری، ۱۳۸۲).

نتایج برخی پژوهش‌ها حاکی از آن است که پسران درمقایسه با دختران، احساس هویت قومی قوی‌تری دارند (چا و وو، ۲۰۰۸؛ جو و لی، ۲۰۰۵؛ احمدلو و افروغ، ۱۳۸۱؛ فکوهی، ۱۳۸۱). همچنین، برخی پژوهش‌ها با نشان‌دادن تفاوت میان دختران و پسران در کسب نمره بهزیستی، نمره دختران را بالاتر از پسران نشان دادند (دردیگمن و همکاران، ۲۰۱۱؛ کهولت و جوکار، ۱۳۹۰).

هدف پژوهش: تعیین تفاوت بین هویت قومی و بهزیستی ذهنی و خرده‌مقیاس‌های آن در دانشجویان اقوام ایرانی.

فرضیه‌های پژوهش

۱. بین دانشجویان اقوام ایرانی، از نظر هویت قومی و بهزیستی ذهنی و خرده‌مقیاس‌های بهزیستی ذهنی، تفاوت وجود دارد.
۲. بین هویت قومی و بهزیستی ذهنی دانشجویان دختر و پسر تفاوت وجود دارد.

روش

جامعه آماری این پژوهش، دانشجویان دانشگاه شهید بهشتی تهران در سال تحصیلی ۹۲-۱۳۹۱ هستند که به اقوام ترک، کرد، لر و فارس تعلق دارند. لازم به ذکر است، برای حفظ انسجام نتایج این مطالعه، از میان همه دانشجویان قوم فارس، فقط دانشجویان متولد استان فارس و

تهران انتخاب شدند. نمونه مدنظر، با استفاده از روش در دسترس انتخاب شد. به ازای هر متغیر مستقل و پیش‌بین، پانزده آزمودنی وارد پژوهش شدند و در نهایت تعداد ۴۵۰ پرسش‌نامه توزیع شد. از این تعداد، ۴۲۶ پرسش‌نامه در تحلیل نهایی استفاده گردید. همچنین، تعداد ۲۳۳ نفر از گروه نمونه را دانشجویان پسر و تعداد ۱۹۳ نفر را دانشجویان دختر تشکیل دادند.

ابزار پژوهش

پرسش‌نامه هویت قومی: مقیاس هویت قومی چندگانه را فینی، در سال ۱۹۹۲، به‌منظور ارزیابی فرایند رشد هویت قومی در نوجوانان و جوانان ساخت. این آزمون را می‌توان برای نوجوانان بالای ۱۲ سال و بزرگسالان به‌کار برد. منشأ نظری این آزمون، نظریه هویت‌یابی اریکسون است (فینی، ۱۹۹۲). فینی درباره مقیاس هویت قومی چندگانه تجدیدنظر کرد و تعداد مواد آن را کاهش داد. این آزمون، دوازده گویه و دو زیرمقیاس دارد: کاوش هویت قومی (جزء تحولی و شناختی) و تعهد (جزء عاطفی و نگرشی) است. برای بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی مقیاس هویت قومی چندگانه، این آزمون بر روی نمونه‌ای از ۴۱۷ نفر (۱۸۲ پسر و ۲۳۵ دختر) دانش‌آموزان آمریکایی با میانگین سنی ۱۶٫۵ سال که ریشه‌های قومی متفاوتی داشتند (آسیایی، سیاه‌پوست و اسپانیایی) انجام شد. نتایج این پژوهش و پژوهش‌های دیگر نشان می‌دهد که این آزمون، همسانی درونی مطلوبی دارد؛ زیرا ضریب آلفای آن در همه پژوهش‌ها بالاتر از ۰/۸۰ بوده است (رابرتس و همکاران، ۱۹۹۹). نتیجه محاسبات انجام‌شده درباره برآورد اعتبار پرسش‌نامه هویت قومی چندگانه در مطالعه مقدماتی پژوهش حاضر، حکایت از آن دارد که مقدار ضریب آلفا برای این پرسش‌نامه برابر با ۰/۸۶ و در مطالعه حاضر، برابر با ۰/۹۱ است. همچنین، روایی محتوای پرسش‌نامه را پنج تن از اساتید روان‌شناسی و اعضای هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی تأیید کردند.

مقیاس‌های بهزیستی ذهنی: بهزیستی ذهنی^۱ دو جزء عاطفه مثبت و عاطفه منفی و رضایت از زندگی را دارد که برای سنجش این دو بعد، از مقیاس‌های زیر استفاده می‌شود:

۱. **مقیاس عاطفه مثبت و منفی**^۲: این مقیاس، ابزار خودسنجی ۲۰ گزینه‌ای است و برای اندازه‌گیری دو بُعد خطی، یعنی عاطفه منفی و عاطفه مثبت، تهیه و ارائه شده است (واتسون^۳ و همکاران، ۱۹۹۸). هر خرده‌مقیاس ۱۰ گزینه دارد که در آن، ۱۰ احساس مثبت و ۱۰ احساس منفی در قالب کلمات مطرح شده است. این ابزار در مطالعات متعددی به کار گرفته شد و معلوم شد که از سازگاری درونی و روایی هم‌گرایی تفکیکی خوبی برخوردار است (اسایتر و همکاران^۴، ۲۰۰۵). ضرایب سازگاری درونی (آلفا) برای خرده‌مقیاس عاطفه مثبت ۰/۸۸ و برای خرده‌مقیاس عاطفه منفی ۰/۸۷ است. در اعتبار این آزمون، از راه بازآزمایی با فاصله ۸ هفته‌ای برای خرده‌مقیاس عاطفه مثبت ۰/۶۸ و برای خرده‌مقیاس عاطفه منفی ۰/۷۱ گزارش شده است (تلگن^۵، ۱۹۸۵). همچنین، در مطالعه شگری (۱۳۸۸) درباره دانشجویان ایرانی، ضرایب آلفای کرونباخ مقیاس‌های عاطفه مثبت و منفی، به ترتیب برابر با ۰/۸۰ و ۰/۷۷ و در بین دانشجویان سوئدی، به ترتیب برابر با ۰/۷۶ و ۰/۷۶ به دست آمد.

۲. **مقیاس رضایت از زندگی**^۶: این مقیاس برای اندازه‌گیری رضایت از زندگی در بُعد شناختی بهزیستی ذهنی به کار می‌رود. این مقیاس ۵ ماده دارد. اعتبار آزمون با روش دو نیمه کردن ۰/۸۷ و با روش بازآزمایی ۰/۸۲ گزارش شده است (پی وات^۷ و همکاران، ۱۹۹۱). در تحقیق بین‌فرهنگی ایشی در بین ۳۹ کشور مطالعه شده، آلفای کرونباخ از ۰/۴۱ تا ۰/۹۴، میانگین ۰/۷۸ و انحراف معیار ۰/۰۹ گزارش شد. آلفای کرونباخ، مقیاس در حجم نمونه ۸۸۸ نفری و ۷۳۱ نفری به ترتیب ۰/۸۲ و ۰/۸۶ به دست آمده است و

1. subjective well-being
4. Ositer 5. Tellegen

2. Positive and Negative Affect Scale
6. Satisfaction with Life Scale

3. Watson
7. Pvoit

همچنین، در بررسی‌های چندگانه اعتبار افتراقی و اعتبار هم‌گرایی بسیاری بین این مقیاس با مقیاس عاطفه مثبت و منفی مشخص شد (ایشی^۱، ۲۰۰۰). غضنفری با آزمایش بر روی ۱۴۷ دانشجوی دختر و پسر ایرانی و ۱۲۱ دانشجوی دختر و پسر کانادایی، آلفای کرونباخ ۰/۸۸ را گزارش کرده است (غضنفری، ۱۳۸۵). همچنین، در مطالعه شکری (۱۳۸۸) ضریب آلفای کرونباخ SWLS برای دانشجویان ایرانی، برابر با ۰/۸۴ و برای دانشجویان سوئدی، برابر با ۰/۸۵ به دست آمد. نتیجه محاسبات انجام شده درباره برآورد اعتبار خرده‌مقیاس‌های بهزیستی ذهنی در این مطالعه، حکایت از آن دارد که مقدار ضریب آلفای کرونباخ برای خرده‌مقیاس عواطف مثبت و عواطف منفی و رضایت از زندگی، به ترتیب برابر با ۰/۸۱ و ۰/۸۲ و ۰/۸۸ است.

یافته‌ها

از آزمون تحلیل پراکنش چندمتغیره (MANOVA) برای بررسی اثر متغیر گروه‌های قومی روی مقیاس‌های هویت قومی و بهزیستی ذهنی و همچنین، عاطفه مثبت و عاطفه منفی و رضایت از زندگی (به‌عنوان خرده‌مقیاس‌های بهزیستی ذهنی) استفاده شد. نتایج بررسی اثر متغیر گروه‌های قومی، با استفاده از آزمون لامبدای ویلکز، روی ترکیب خطی مقیاس‌های هویت قومی و بهزیستی ذهنی و خرده‌مقیاس‌های بهزیستی ذهنی، حاکی از وجود اثر معنی‌دار گروه ($\eta^2 = ۰/۸۷$ / $F=۴/۷۲$ / $P<۰/۰۰۱$) است. برای بررسی اثر متغیر گروه‌های قومی در هریک از متغیرهای وابسته، از آزمون تحلیل پراکنش یک‌متغیره استفاده شد.

جدول ۱. آزمون تحلیل پراکنش چندمتغیره برای بررسی اثر گروه‌های قومی بر مقیاس‌های هویت قومی و بهزیستی ذهنی و خرده‌مقیاس‌های بهزیستی ذهنی.

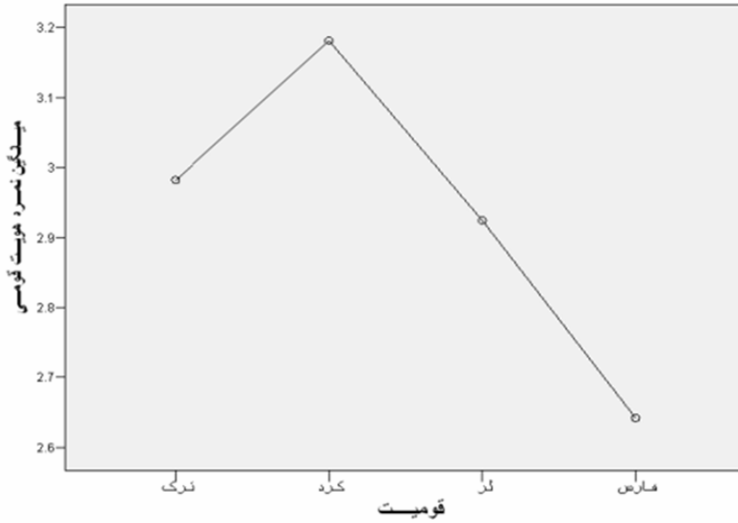
Sig.	F	میانگین مجذورات	درجه آزادی	مجموع مجذورات	متغیرهای وابسته	منع تغییرات
۰/۰۰۱	۱۴/۰۹۷	۴/۶۶۰	۳	۱۳/۹۸۱	هویت قومی	
۰/۰۱۱	۳/۷۵۳	۵۹/۲۳۱	۳	۶۹۳۱۷۷	بهزیستی ذهنی	
۰/۳۵۹	۱/۰۸	۴۳/۴۳	۳	۱۳۰/۲۸	عاطفه مثبت	گروه‌های
۰/۲۱۴	۱/۵۰	۷۵/۱۰	۳	۲۲۵/۳۱	عاطفه منفی	قومی
۰/۰۰۴	۴/۴۴۷	۲۷۳/۵۲	۳	۸۲۰/۵۵	رضایت از زندگی	

براساس نتایج تحلیل پراکنش تک‌متغیره، برای بررسی اثر گروه‌های قومی در جدول ۱، می‌توان گفت که بین گروه‌های قومی در مقیاس‌های هویت قومی ($F=۱۴/۱$ و $p<۰/۰۱$) و بهزیستی ذهنی ($F=۳/۷۵$ و $p<۰/۰۵$) و خرده‌مقیاس رضایت از زندگی ($p<۰/۰۱$) و $F=۴/۴۵$ ، تفاوت معنی‌داری به‌لحاظ آماری وجود دارد.

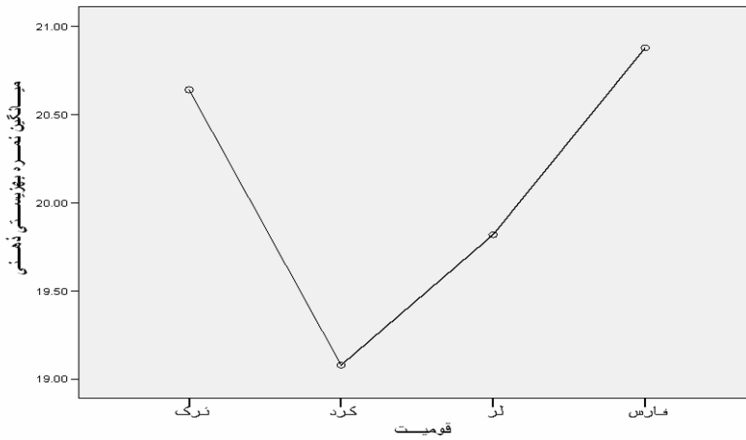
براساس نتایج آزمون تعقیبی بونفرونی، بین میانگین گروه‌های کرد و لر تفاوت معنی‌داری از لحاظ مقیاس هویت قومی وجود دارد؛ همچنین، بین میانگین گروه قومی فارس با هر سه گروه ترک و لر و کرد، تفاوت معنی‌داری از لحاظ خرده‌مقیاس هویت قومی وجود دارد. همچنین، نتایج آزمون بونفرونی حاکی از این است که بین میانگین گروه‌های قومی ترک و کرد و بین میانگین گروه‌های کرد و فارس، تفاوت معنی‌داری از لحاظ مقیاس بهزیستی ذهنی و خرده‌مقیاس رضایت از زندگی وجود دارد ($p<۰/۰۵$).

در نمودارهای شماره ۱ و ۲، می‌توان ساختار تفاوت میانگین نمرات هویت قومی و بهزیستی ذهنی را در اقوام مختلف ایرانی مشاهده کرد.

نمودار ۱. ساختار تفاوت میانگین نمره هویت قومی در قومیت‌ها.



نمودار ۲. ساختار تفاوت میانگین نمره بهزیستی ذهنی در قومیت‌ها.



همچنین، برای بررسی تفاوت میانگین نمره هویت قومی و بهزیستی ذهنی در بین دانشجویان دختر و پسر، از آزمون تی مستقل استفاده شد.

جدول ۲. نتایج آزمون تی مستقل برای بررسی تفاوت میانگین هویت قومی و بهزیستی ذهنی، در دانشجویان دختر و پسر.

متغیر	گروه	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	اختلاف میانگین‌ها	درجه آزادی	t	Sig.
هویت قومی	پسر	۲۲۰	۲/۹۸	۰/۶۰۷	۰/۱۶۳	۴۰۲	۲/۷۲۶	۰/۰۰۷
	دختر	۱۸۴	۲/۸۲	۰/۵۸۶				
بهزیستی ذهنی	پسر	۲۲۸	۱۹/۶۵۳۱	۳/۸۵۴۰۰	-۱/۴۰۱۶۴	۴۱۰	-۳/۵۷۵	۰/۰۰۱
	دختر	۱۸۴	۲۱/۰۵۴۷	۴/۰۷۹۶۰				

نتایج جدول ۲ نشان می‌دهد که آزمون تی مستقل محاسبه شده برای هویت قومی، در سطح معنی داری $P < 0/05$ ، معنی دار گزارش شده است؛ بنابراین، می‌توان چنین نتیجه گرفت که بین میانگین نمرات هویت قومی در دانشجویان دختر و پسر، تفاوت معنی داری وجود داشته است. همچنین، نتایج آزمون تی مستقل حاکی از آن است که نتیجه مذکور برای بهزیستی ذهنی نیز صادق می‌کند؛ پس بین میانگین نمرات بهزیستی ذهنی در دانشجویان دختر و پسر نیز تفاوت معنی داری وجود دارد. گفتنی است کیفیت تفاوت میانگین نمرات بدین گونه است که میانگین نمره هویت قومی پسران، بیشتر از گروه دختران است. همچنین، میانگین نمره بهزیستی ذهنی دختران بیشتر از پسران است.

بحث

هدف پژوهش حاضر، بررسی تفاوت بین هویت قومی و بهزیستی ذهنی و خرده‌مقیاس‌های آن در دانشجویان اقوام ایرانی بوده است. نتایج نشان داد بین اقوام مختلف، از لحاظ مؤلفه‌های مذکور، تفاوت معنی داری وجود دارد. در تبیین این نتایج، باید چرایی این تفاوت را بررسی کنیم. طبق نظریه فینی (۱۹۹۷) نوجوانانی که درباره ملیت و

قومیت خود کاوش کرده‌اند و معنای روشنی از آن دارند، درمقایسه با نوجوانانی که معنای روشنی از هویت قومی خود ندارند، سازگاری کلی بهتری را از خود نشان می‌دهند؛ به عبارتی، این نظریه بیانگر این است که رشد هویت قومی و ملی، افزایش سلامت روانی اجتماعی افراد را نیز به دنبال خواهد داشت.

در بررسی اقوام در این پژوهش، دو قوم ترک و لر با نظریه فیینی (۱۹۹۷) همخوانی داشته‌اند؛ اما دو قوم کرد و فارس، کاملاً عکس این نظریه جواب داده‌اند. اگر این نتایج را در بافت اجتماعی ایران ببینیم، متوجه این تفاوت می‌شویم. در واقع، همان‌طور که انتظار می‌رفت، فارس‌ها احساس قومیتی قوی نداشته‌اند؛ به نظر می‌رسد دلیل این مسئله، اکثریت بودن این قوم در جامعه ایران است. اگر از یک دانشجوی استان فارسی پرسید «متعلق به کدام قومیت هستی؟»، این سؤال برای او کمی نامفهوم است. در این پژوهش نیز، از این قوم باستانی که از مفهوم قومیتی آن تقریباً چیزی باقی نمانده است، برای قیاس با سایر اقوام استفاده شد. همان‌طور که نتایج نشان می‌دهند، این قوم از بالاترین میزان بهزیستی درمقایسه با سایر اقوام برخوردار است که این مسئله، احتمالاً به خاطر دسترسی فراوان به امکانات و احساس تعلق به جامعه حداکثری است. درمقابل کردها که بالاترین میزان هویت قومی را نشان دادند، به طرز شگفتی کمترین میزان بهزیستی ذهنی و رضایت از زندگی را دارند که این مسئله نیز برخلاف نظریه فیینی (۱۹۹۷) است؛ اما براساس نظریه قضاوت که در حوزه بهزیستی مطرح شده است، مسئله دیگر میزان انتظار است. مطابق با این نظریه، بهزیستی ذهنی به تضاد بین موقعیت واقعی و انتظار شخص از زندگی بستگی دارد. ویلسون (۱۹۶۷) معتقد است که سلامت ذهن با نسبت آرزوهای ارضاشده، به کل آرزوها برابر است. طبق این نظریه، انتظارات غیرواقع‌بینانه به اندازه اوضاع بد، موجب کاهش سلامت ذهن می‌شود (جلوانی، ۱۳۹۰). به نظر می‌رسد به دلیل کسب هویت قومی بسیار قوی توسط کردها، میزان انتظارات آن‌ها از زندگی نیز بسیار زیاد است. از آنجایی که شکاف عمیقی بین انتظارات آن‌ها و واقعیت وجود دارد، این مسئله موجب کاهش شدید

بهزیستی آنان شده است. در توجیه این مسئله، شاید بتوان متغیرهای دیگری، از جمله محرومیت نسبی، مرزنشینی، مشکلات اقتصادی اجتماعی و... را در کاهش میزان بهزیستی و رضایت از زندگی این قوم دخیل دانست. همچنین، قوم کرد در میان اقوام ایرانی، به آزادی و استقلال بیشتری احساس نیاز می‌کند که این نیاز به آزادی، انتظار آن‌ها از زندگی را تشدید می‌کند. از آنجایی که این انتظار با امکانات موجود فاصله پیدا کرده، موجب نارضایتی بیشتری شده است. احتمالاً نوع مذهب را نیز بتوان یکی از عوامل مؤثر بر بهزیستی ذهنی و رضایت از زندگی برشمرد. از آنجایی که اکثر کردها اهل سنت و درمقایسه با مذهب اکثریت جامعه در اقلیت قرار دارند، ممکن است احساس بی‌توجهی و محرومیت زیادی کنند که این حس، امکان ابراز وجود و مشارکت در ابعاد مختلف اجتماعی و اقتصادی را برای آنان محدود کرده است. احتمالاً همه این مسائل، باعث کاهش بهزیستی ذهنی این قوم شده است. این تبیین با نتایج پژوهش مقدس جعفری و همکاران (۱۳۷۸) که نشان دادند دانشجویان کرد در برابر همه مؤلفه‌های هویت قومی و هویت ملی، پابندی زیادی دارند و نابرابری اجتماعی، در تبیین و پیش‌بینی پابندی به هویت قومی و هویت ملی، بیشترین سهم را دارد، همسوست و درنهایت می‌توان گفت در این پژوهش، با دو قوم فارس و کرد مواجه بوده‌ایم که کاملاً برعکس دو قوم دیگر عمل کرده‌اند.

در ادامه به دو قوم ترک و لر می‌رسیم که نتایج مربوط به این دو قوم با نظریه فینی (۱۹۹۷) و پژوهش‌های (یومانا و تیلر، ۲۰۰۴؛ فینی و آلیپورا، ۱۹۹۰؛ سید و همکاران، ۲۰۱۳؛ اسمیت و سیلوا، ۲۰۱۱)، همسوست؛ به عبارتی دیگر، این دو قوم در کسب هویت قومی موفق عمل کردند و میزان مناسبی از بهزیستی ذهنی و رضایت از زندگی را دارند.

باتوجه به نتایج آزمون بونفرونی، قوم فارس با هر سه قوم دیگر در متغیر هویت قومی متفاوت است. همان‌طور که گفتیم، قوم فارس از نظر معنا و مفهوم با سایر اقوام متفاوت است؛ به همین دلیل، همان‌طور که انتظار می‌رفت، این قوم باید کمترین میزان هویت قومی و سه قوم دیگر نیز، میزان درخور توجهی از هویت قومی خود را داشته باشند که این

مسئله نیز با تحقیقات داخلی که در ادامه به آن‌ها اشاره می‌شود، همسوست. حاجیانی (۱۳۸۷) نشان داد که هویت قومی و هویت ملی، هر دو در میان اقوام ایرانی، به‌طور توأمان، قوت و برجستگی دارند و میان آن‌ها رابطه تعارض‌آمیز و قطبی وجود ندارد. میان ابعاد فرهنگی و اجتماعی هویت قومی و ابعاد فرهنگی و تا حدودی اجتماعی هویت ملی، رابطه‌ای مثبت و قوی برقرار است. همچنین، چلبی و همکاران (۱۳۷۸) در پژوهش خود که بر روی اقوام فارس، آذری، بلوچ، کرد، لر، ترکمن، عرب و تالش انجام گرفته، نتیجه گرفته است که احساس هویت قومی در نزد همه اقوام قوی است. همه اقوام از احساس مسئولیت و وفاداری بسیاری در برابر اجتماع قومی خود برخوردارند. اعتقاد به برتری قومی یا قوم‌مداری در نزد همه اقوام، بیش از حد متوسط است.

با مشاهده نتایج حاصل از این پژوهش، می‌توان چنین نتیجه گرفت که بین میانگین نمرات هویت قومی در دانشجویان دختر و پسر تفاوت معنی‌داری وجود داشته است. همچنین، نتایج حاکی از آن است که نتیجه مذکور برای بهزیستی ذهنی نیز صدق می‌کند؛ پس بین میانگین نمرات بهزیستی ذهنی در دانشجویان دختر و پسر نیز تفاوت معنی‌داری وجود دارد. در ادامه بررسی نتایج می‌توان به این موضوع اشاره کرد که کیفیت تفاوت میانگین نمرات بدین‌گونه است که میانگین نمره هویت قومی پسران بیشتر از گروه دختران است. همچنین، میانگین نمره بهزیستی ذهنی دختران بیشتر از پسران است.

این یافته‌ها با پژوهش‌های چا و وو (۲۰۰۸)، جو و لی (۲۰۰۵)، احمدلو و افروغ (۱۳۸۱) و فکوهی (۱۳۸۱) همسوست که تفاوت معنی‌داری بین جنس دختر و پسر در متغیر هویت قومی مشاهده کردند و گفته‌اند که میزان هویت قومی پسران بیشتر از دختران بوده است. با پژوهش‌های سیسلو (۲۰۰۸) و گریک و کیزر (۲۰۰۳) نیز که تفاوت معنی‌داری بین جنس دختر و پسر در متغیر هویت قومی مشاهده کردند و طبق آن‌ها میزان هویت قومی دختران بیشتر از پسران بوده است، ناهم‌سوست. با پژوهش‌های این لوم (۲۰۰۸)، سونسون و پریلو (۲۰۰۵) اونتای‌گریک و رافائلی (۲۰۰۴) فینی و همکاران

(۱۹۹۷) که تفاوت معنی‌داری بین دو جنس در کسب هویت قومی گزارش ندادند، مطابقت ندارد. در بررسی تفاوت بهزیستی ذهنی میان دو جنس، یافته‌های این پژوهش با مطالعاتی که بهزیستی دختران را قوی‌تر از پسران نشان دادند (دردیکنم و همکاران، ۲۰۱۱؛ کهولت و جوکار، ۱۳۹۰)، همسو و با پژوهش‌هایی که بهزیستی ذهنی پسران را قوی‌تر نشان دادند (بارگز، ماتوس و داینیز، ۲۰۱۳)، ناهمسوست. همچنین، نتایج حاصل شده با نتایجی که بیان کردند تفاوت معنی‌داری بین دو جنس در کسب نمره بهزیستی ذهنی وجود ندارد (امیدیان، ۱۳۸۸)، ناهمسوست.

در تبیین یافته‌های مربوط به هویت قومی می‌توان این‌گونه بیان کرد: از آنجایی که در جامعه و فرهنگ مردمان ایران، مردان در مقایسه با زنان بیشتر در معرض مسائل اجتماعی قرار گرفته و میزان حضور و مشارکت آنان در مسائل اجتماعی بیشتر است؛ به همین دلیل بیشتر احساس تعلقات اجتماعی و قومی دارند. مردان در مقابل زنان، بیشتر در کندوکاو مسائل اجتماعی احساس مسئولیت می‌کنند و علاقه و انگیزه آن‌ها در درونی کردن باورها و ارزش‌های گروه قومی بیشتر است. در نتیجه، حساسیت و وفاداری بیشتری در مقایسه با زنان از خود نشان می‌دهند. به همین دلیل، نتایج این مطالعه مبنی بر احساس هویت قومی قوی‌تر مردان، دور از ذهن نیست. از طرفی، قومیت در ساختار فرهنگی جامعه ایرانی مفهوم جنسیتی مردسالارانه‌ای دارد. هر جا که گرایش قومی شدید است، تسلط مرد بر خانواده و روابط نیز بیشتر است و باورهای قومی با احساس فرد، هویت، قدرت و غیرت گره خورده است.

در تبیین یافته‌های مربوط به تفاوت بهزیستی ذهنی، می‌توان این‌گونه بیان کرد که در جامعه و فرهنگ ایرانی، دختران بیشتر از پسران به استانداردها و هنجارهای موجود توجه نشان می‌دهند و بر طبق آن‌ها عمل می‌کنند و برای ارزیابی اوضاع زندگیشان نیز از همین استانداردها بهره می‌گیرند. لذا از آنجایی که این‌گونه هنجارها سهل‌الوصول بوده و فرد می‌تواند با کوششی نه‌چندان زیاد به آن‌ها دست یابد، بدین سبب بین زندگی واقعی و

مطلوب خود شکافی نمی‌بیند و در کل، بهزیستی ذهنی قوی‌تری را تجربه می‌کند و از زندگی خویش رضایت دارد. در نتیجه، باتوجه به مطالب بیان‌شده، بهزیستی ذهنی دختران در فرهنگ ما بیشتر از پسران است.

از آنجایی که نمونه این مطالعه فقط مربوط به قومیت‌های ترک، کرد، لر و فارس بوده است، توصیه می‌شود به دلیل تعمیم سخت نتایج به سایر قومیت‌ها، در مطالعات آتی از دیگر اقوام نیز استفاده شود. همچنین، باتوجه به اهمیت کسب هویت موفق و بهزیستی ذهنی افراد جامعه، تکرار مطالعاتی از این دست در مناطق مختلف، خصوصاً قومیت‌های مختلف و تعیین ارتباط آن با سایر متغیرها، از جمله عزت‌نفس، افسردگی، خودکارآمدی و... مسئله‌ای ضروری و منطقی به نظر می‌رسد. باتوجه به اهمیت مسائل قومی، پیشنهاد می‌شود هسته‌های پژوهش قومیتی در دانشگاه‌ها و مراکز علمی تأسیس شود و به گسترش فعالیت‌های پژوهشی در این زمینه منجر شود. همچنین، باتوجه به جایگاه و نقش هویت قومی و بهزیستی در سلامت عمومی اقوام ایرانی، پیشنهاد می‌شود وزارت کشور، فرهنگ و ارشاد اسلامی و وزارت ورزش و جوانان، برنامه‌های مدونی را طراحی و اجرا کنند و زمینه دستیابی عادلانه تمامی اقوام ایرانی به امکانات را فراهم سازند.

- احمدلو، ح. افروغ، ع (۱۳۸۲)، رابطه هویت ملی و هویت قومی در بین جوانان تبریز، فصلنامه مطالعات ملی، س ۴، ش ۱۳: ۱۰۹ تا ۱۴۶.
- جلوانی، ر. (۱۳۹۰)، بررسی اثربخشی آموزشی شناختی رفتاری بر خوشبینی و بهزیستی ذهنی زنان مراجعه کننده به مرکز مشاوره، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.
- چلبی، م. و همکاران (۱۳۷۸)، هویت‌های قومی و رابطه آن با هویت ملی در ایران. تهران: دفتر امور اجتماعی وزارت کشور.
- حاجیان، ا. (۱۳۸۷)، نسبت هویت ملی با هویت قومی در میان اقوام ایرانی. مجله جامعه‌شناسی ایران، س ۹، ش ۳ و ۴: ۱۶۴ تا ۱۴۳.
- شکر، ا. (۱۳۸۸)، مقایسه الگوی روابط علی پیشنهادها و پسایندهای استرس تحصیلی دانشجویان دختر و پسر در پارادایم‌های فرهنگی جمع‌گرا و فردگرا، رساله دکتری، دانشگاه تربیت معلم.
- علیجانی، م. (۱۳۸۵)، رابطه بین هویت دینی و سلامت روان در دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی. مطالعات روان‌شناختی، ش ۱ و ۲: ۸۹ تا ۱۰۶.
- غضنفری، ا. (۱۳۸۲)، بررسی تأثیر هویت و راهبردهای مقابله‌ای بر سلامت روانی دانش‌آموزان دبیرستانی و پیش‌دانشگاهی شهر اصفهان. پایان‌نامه دکتری تخصصی روان‌شناسی عمومی، دانشگاه علامه طباطبایی.
- غضنفری، ف. (۱۳۸۵)، بررسی مقایسه‌ای بهزیستی دانشجویان دختر و پسر برحسب ارزیابی از هویت اجتماعی و هویت فردی. اصول بهداشت روانی، س ۸، ش ۳۱ و ۳۲: ۲۳ تا ۱۳۰.
- فکوهی، ن. (۱۳۸۱)، شکل‌گیری هویتی و الگوهای محلی، ملی و جهانی (مطالعه موردی لرستان)، مجله جامعه‌شناسی ایران، س ۴، ش ۴: ۱۲۷ تا ۱۶۱.
- کهولت، ن. و جوکار، ب. (۱۳۸۹)، رابطه سبک‌های هویت و شادی در دانشجویان دانشگاه، مطالعات روان‌شناسی تربیتی، س ۷، ش ۱: ۱۰۸ تا ۱۷۸.
- هاشمی نصرت‌آباد، ت و همکاران (۱۳۹۰)، نقش سرمایه روان‌شناختی در بهزیستی روانی، باتوجه به اثرات تعدیلی سرمایه اجتماعی، پژوهش‌های روان‌شناسی اجتماعی، س ۱، ش ۴: ۱۲۳ تا ۱۴۴.
- مقدس جعفری، م. ح و همکاران (۱۳۸۷)، رابطه هویت ملی و هویت قومی در

- بین جوانان کرد (مطالعه موردی دانشگاه پیام نور سقز). فصلنامه مطالعات ملی، ۹، ش ۱: ۱۲۶ تا ۹۷.
- موحد ابطحی، ح. (۱۳۸۷)، ضرورت‌های سلامت روان، تهران: رشد.
- موسوی، ر. و همکاران (۱۳۸۹)، بررسی رابطه ابعاد هویت (روان‌شناختی، ملی و دینی) با بهزیستی روان‌شناختی در بین دانشجویان شاهد و غیرشاهد. ارائه‌شده در: پنجمین سمینار بهداشت روانی دانشجویان تهران: دانشگاه ایران.
- Binder, M., Coad, A. (2011). From Average Joe's happiness to Miserable Jane and Cheerful John: using quantile regressions to analyze the full subjective well-being distribution. *Journal of Economic Behavior & Organization*, 79(3).
- Chau Vo, V. T. M. (2008). *The relationship between ethnic identity development and degree of self-esteem among Vietnamese American students*. Phd Dissertation. California State University, Long Beach.
- Cislo, A.M. (2008). Ethnic identity and self-esteem: Contrasting Cubans and Nicaraguan young adults. *Hispanic Journal of Behavioral Sciences*, 30(2), 230-250.
- Compton, W.C. (2001). Towards A Tripartite Factor Structure of Mental Health: Subjective Well-being, Personal Growth, and Religiosity, *The Journal of Psychology*, 135: 486-500.
- Creagh-kaiser, M. G. (2003). *The influence of ethnic identity gender and trait anxiety on career decision-making self-efficacy for white and racil/ethnic minority students*. Phd Dissertation, Seton Hall University.
- Derdikman-eiron, R., Indredavik, M. S., Bratberg, G. H., Tarlidsen, G., Bakken, I. J. & Colton, M. (2011), Gender differences in subjective well-being, self-esteem and psychosocial functioning in adolescents with symptoms of anxiety and depression: Findings from the Nord-Trøndelag health study. Scandinavian *Journal of Psychology*, 52: 261-267.
- Dubaw, E. F., Pargament, K.I., Boner, P., Tarakeskwar, N. (2000). Initial Investigation of Jewish Early adolescence Ethnic Identity. Stress and Coping. *Journal of Early adolescence*. 20, 418-428.
- Go, C. g., & Le, T. N. (2005). gender differences in Cambodian delinquency: The role of ethnic identity, parental discipline, and peer delinquency. *Crime & Delinquency*, 51, 220-237.
- Hejazi, E., Shahraray, M., Farsinejad, M., & Asgary, A. (2008). Identity styles and academic achievement: mediating role of academic self-efficacy. *Social Psychology of Education*, 12, 123-135.
- Iwamoto, D. K. Liu, W. M. (2010). The impact of racial identity , ethnic identity, Asian values ,and race-related stress on Asian Americans and Asian international college students psychological well- being. *Journal*

- of Counseling Psychology*, 57,1,pp79-91.
- Krieger, A. (2010). *The role of family functioning in ethnic identity and well-being in Jewish late adolescent women*. Dissertations and Master's Theses (Campus Access). University of Rhode Island.
 - Myers, D. G., Diener, E. (1995). Who is happy? *Psychol Sci*, 6, 10-19.
 - Oishi, S. (2000). Goals as Cornerstones of Subjective Well-being: Linking individuals and cultures In E. Diener & Suh (GDS). *Culture and subjective well being Cambridge & London*: The MIT Press.
 - Ontai-Grzebik, L. L., & Raffaelli, M. (2004). Individual and social influences on ethnic identity among latino young adults. *Journal of Adolescent Research*, 19, 559-575.
 - Ositer GV, Smith MP, Smith D. (2005). *Reliability of the positive and Negative Affect Schedule (PANAS) in Medical rehabilitation*. *Clin Rehabi J.* (19): 767-769.
 - Phinney, J. S. (1992). The multigroup ethnic identity measure: A new scale for use with diverse groups. *Journal of Adolescent Research*, 7, 156-176.
 - Phinney, J. S., & Alipuria, L. L. (1990). Ethnic identity in college students from four ethnic groups. *Journal of Adolescence*, 13, 171-183.
 - Phinney, J.S. (1997). A three stage MODEL of Ethnic identity development in Adolescents, and young adult from diverse group, *Journal of Adolescence research*, 7, 156-176.
 - Phinney, J., Cantu, C., & Kurtz, D. (1997). Ethnic and American identity as predictors of self-esteem among African American, Latino, and White adolescents. *Journal of Youth and Adolescence*, 26, 165-185.
 - Phinney, J., & Ong, A. (2007). Conceptualization and measurement of ethnic identity: Current status and future directions. *Journal of Counseling Psychology*, 54, 271-281.
 - Pvoit, W., Diener, E., Colvin, C. R., & Sandrick, E. (1991). Farther Validation of the satisfaction with life Scale: *Evidence for the cross-method convergence of well-being measures*. *J Per Asse*. 51, 149-161.
 - Roberts, R., Phinney, J., Masse, L., Chen, Y., Roberts, C., & Romero, A. (1999). The structure of ethnic identity in young adolescents from diverse ethnocultural groups. *Journal of Early Adolescence*, 19, 301-322.
 - Ryan, R. M., & Deci, E. L. (2001). On happiness and human potentials: A review of research on hedonic and eudaimonic well-being, in S. Fiske (ed.), *Annual Review of Psychology* (Annual Reviews Inc., Palo Alto, CA), 52, 141-166.
 - Smith, T., & Silva, L. (2011). Ethnic identity and personal well-being of people of color: A meta-analysis. *Journal of Counseling Psychology*, 58(1), 42-60.

- Swenson, R., & Prelow, H. (2005). Ethnic identity, self esteem, and perceived efficacy as mediators of the relation of supportive parenting to psychosocial outcomes among urban adolescents. *Journal of Adolescence*, 28, 465-477.
- Syed, M., Walker, L., Lee, R., Umaña-Taylor, A., Zamboanga, B., Schwartz, S., Armenta, B., & Huynh, Q. (2013). A two-factor model of ethnic identity exploration: Implications for identity coherence and well-being. *Cultural Diversity and Ethnic Minority Psychology*, 19(2), 143-154.
- Tellegen A. (1985). Structure of Mood and Personality and their relevance to assessing anxiety, with an emphasis on self-report. In A. H. Tuma & D. Maser (Eds). *Anxiety and the anxiety disorder*. Hillsdale, NJ: Erlbaum. 681-706.
- Umana-Taylor, a. j. (2004). Ethnic Identity and Self-Esteem: Examining the role of Social Context", *Journal of Adolescence*, 27: 139-146.
- Umana-Taylor, a. j. (2008). "A Longitudinal Examination of Latino Adolescents' Ethnic Identity, Coping with Discrimination, and Self-Esteem", *Journal of Adolescence*, 28, 1, 16-50.
- Velez-Yelin, J. (2002). Ethnic identity and academic performance in Puerto Rican college students. *Dissertation Abstracts International*, 63(6-A), 2137. (UMI No. 3056392).
- Vleioras, G., & Bosma, H.A. (2005). Are identity styles important for psychological well-being? *Journal of Adolescence Research*, 28, 397-409.
- Waterman, A. S. (1992). Identity as an aspect of optimal psychological Functioning. In G. R. Adams, T. P. Gullota, & R. Montemighier (Eds.), *Advances in adolescent development: Adolescent identity formation*. Thousand Oaks, 4(50-72).
- Waterman, A.S. (2007). Doing well: The relationship of identity status to three measures of well-being. *International Journal of Theory and Research*, 7, 289-307.
- Watson, D., Clark, L. A., & Tellegen, A. (1988). Development and validation of brief measures of positive and negative affect: The PANAS scales. *Journal of Personality and Social Psychology*, 54, 1063-1070.
- Williams, M. T., Chapman, L. K., Wong, J., & Turkheimer, E. (2012). The role of ethnic identity in symptoms of anxiety and depression in African Americans. *Journal of Psychiatry Research*, 199(1), 31-36.
- Yin lum, R. M. (2008). *An investigation of the effects of ethnic identity on well-being of monoethnic and multiethnic children and adolescents in Malasia*. Master of science dissertation, Victoria university of wellington.
- Yip, T., Fuligni, A. J. (2002). Daily variation in ethnic identity, ethnic behaviors, and psychological well-being among American adolescents of Chinese descent. *Child Development*, 73(5): 1557-72.